

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۳۲

آیه ۱۳۸-۱۴۱

آیه و ترجمه

و جوزنا بنی اسرئیل البحر فاتوا علی قوم یعکفون علی اصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا الهه کما لهم الهه قال انکم قوم تجهلون ۱۳۸  
 ان هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون ۱۳۹  
 قال اغیر الله ابغیکم الهه و هو فضلکم علی العلمین ۱۴۰  
 و اذ انجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب یقتلون ابناءکم ویستحیون نساءکم و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم ۱۴۱

ترجمه :

۱۳۸ - و بنی اسرائیل را از دریا (سالم) عبور دادیم در مسیر خود به جمعیتی رسیدند که اطراف بت‌هایشان با تواضع و خضوع گرد آمده بودند (در این هنگام بنی اسرائیل) به موسی گفتند توهم برای ما معبودی قرار ده همانگونه که آنها معبودان (و خدایان دارند) گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.  
 ۱۳۹ - اینها (را که می‌بینید) سرانجام کارشان نابودی است و آنچه انجام می‌دهند باطل (و بیهوده) است.  
 ۱۴۰ - (سپس) گفت آیا غیر از خداوند معبودی برای شما بطلبیم، خدائی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد  
 ۱۴۱ - بخاطر بیاورید زمانی را که از (چنگال) کسان فرعون نجاتتان بخشیدیم آنها که مرتباً شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را میکشند و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند و در این آزمایش بزرگی از ناحیه خدا برای شما بود.

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۳۳

تفسیر :

پیشنهاد بت‌سازی به موسی

در این آیات به قسمت حساس دیگری از سرگذشت بنی اسرائیل که به دنبال

پیروزی آنها بر فرعونیان واقع شد، اشاره شده است، و آن مساله توجه آنها به بت پرستی است که نخستین جوانه آن در این آیات، مورد بحث قرار گرفته، و نتیجه نهائی آن بطور مفصل در سوره طه از آیه ۸۶ تا ۹۷ و بطور مختصر در آیه ۱۴۸ به بعد از همین سوره آمده است.

در واقع، با پایان گرفتن جریان فرعون گرفتاری بزرگ داخلی موسی، یعنی درگیری او با جهال بنی اسرائیل و افراد سرکش و لجوج آغاز گردید، و به طوری که خواهیم گفت این گرفتاری برای موسی (علیه السلام) به درجات، سختتر و سنگین تر و طاقت فرساتر از درگیری با فرعون و فرعونیان بود! و همین است خاصیت درگیریهای داخلی.

در آیه نخست می گوید: ما بنی اسرائیل را از دریا (رود عظیم نیل) عبور دادیم (و جاوزنا بنی اسرائیل البحر).

اما در مسیر خود به قومی برخورد کردند که با خضوع و تواضع، اطراف بتهای خود را گرفته بودند (فاتوا علی قوم یعکفون علی اصنام لهم).

«عاکف» از ماده عکوف به معنی توجه به چیزی و ملازمت آمیخته با احترام به آن می باشد.

افراد جاهل و بیخبر آنچنان تحت تاثیر این صحنه قرار گرفتند که بلافاصله نزد موسی آمدند و گفتند برای ما هم معبودی قرار بده همانطور که آنها معبودان دارند! (قالوا یا موسی اجعل لنا الهه کما لهم الهه).

موسی (علیه السلام) از این پیشنهاد جاهلانه و نابخردانه، بسیار ناراحت شد، به آنها

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۳۴

رو کرد و گفت: «شما جمعیت جاهل و بی خبری هستید! (قال انکم قوم تجهلون).

**در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:**

۱- از این آیه به خوبی استفاده می شود، که سرچشمه بت پرستی، جهل و نادانی بشر است، از یکطرف جهل او نسبت به خداوند و عدم شناسائی ذات پاک او و اینکه هیچگونه شبیه و نظیر و مانند برای او تصور نمی شود.

از سوی دیگر جهل انسان نسبت به علل اصلی حوادث جهان که گاهی سبب حوادث را به یک سلسله علل خیالی و خرافی از جمله بت، نسبت دهد.

از سوی سوم جهل انسان به جهان ماوراء طبیعت و کوتاهی فکر او تا آنجا که جز مسائل حسی را نمی بیند و باور نمی کند، این نادانیها دست به دست هم داده و در طول تاریخ، سرچشمه بت پرستی شده اند و گر نه چگونه یک انسان آگاه و فهمیده، آگاه به خدا و صفات او، آگاه از علل حوادث، آگاه از جهان طبیعت و ماوراء طبیعت، ممکن است قطعه سنگی را فی المثل از کوه جدا کند، قسمتی از آن را در ساختمان منزل، ویا پله های خانه مصرف کند، و قسمت دیگری را معبودی بسازد، و در برابر آن سجده نماید و مقدرات خویش را به دست او بسپارد؟!

جالب اینکه در گفتار موسی (علیه السلام) در آیه فوق می خوانیم که به آنها می گوید شما جمعیتی هستید که در جهالت به طور مستمر غوطه ورید (چون ت جهلون فعل مضارع است و غالبا دلالت بر استمرار می کند) به خصوص اینکه متعلق جهل، در آن بیان نشده و این خود دلیل بر عمومیت و توسعه آن می باشد.

از همه جالبتر اینکه بنی اسرائیل، با جمله اجعل لنا الهها (معبودی برای ما قرار بده) نشان دادند که ممکن است چیزی که هرگز منشا اثری نبوده، نه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۳۵

زیانی داشته و نه سودی دارد، با انتخاب و قرارداد و گذاردن نام بت و معبود بر آن، ناگهان سرچشمه آثاری گردد، پرستش آن انسان را به خدانزدیک کند، و بی احترامی به آن دور، عبادتش سرچشمه خیر و برکت، و تحقیرش منشا ضرر و زیان گردد، و این نهایت جهل و بی خبری است.

درست است که منظور بنی اسرائیل این نبوده برای ما معبودی بساز که خالق جهان باشد، بلکه منظورشان این بوده معبودی بساز که با پرستش آن به خدا نزدیک شویم و مایه خیر و برکت گردد، ولی آیا با یک نامگذاری و یا مجسمه سازی، ممکن است یک موجود بی روح و بی خاصیت، ناگهان سرچشمه این خواص و آثار گردد؟ آیا چیزی جز خرافه و جهل و خیالات واهی و پندارهای بی اساس می تواند چنین کاری را توجیه کند؟!

۲ - شک نیست که بنی اسرائیل قبل از مشاهده این گروه بت پرستان زمینه فکری مساعدی بر اثر زندگی مداوم در میان مصریان بت پرست برای این موضوع داشتند، ولی مشاهده این صحنه تازه گویا جرقه ای شد که زمینه های

قبلی، خود را نشان دهند، اما در هر حال این جریان نشان می‌دهد که انسان تا چه اندازه، تحت تاثیر محیط قرار دارد، محیط است که می‌تواند او را به خداپرستی سوق دهد، و محیط است که می‌تواند او را به بت پرستی بکشاند، محیط است که منشا انواع مفسد و بدبختیها و یا سرچشمه صلاح و پاکی می‌گردد (اگر چه انتخاب خود اونیز عامل نهائی است) و به همین جهت اصلاح محیط در اسلام فوق العاده مورد توجه قرار دارد.

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۳۶

۳ - موضوع دیگری که از آیه به خوبی استفاده می‌شود این است که در میان بنی اسرائیل به راستی افراد ناسپاس فراوانی بودند، با آنکه آنهمه معجزات موسی را مشاهده کردند و آن همه مواهب الهی شامل حالشان شده بود، چیزی از نابودی دشمن سرسختشان فرعون در میان امواج نگذشته بود، و آنها به لطف پروردگار از دریا گذشتند، اما ناگهان همه این مسائل را به دست فراموشی سپرده، از موسی تقاضای بتسازی کردند!

در نهج البلاغه می‌خوانیم یکی از یهودیان در حضور علی (علیه السلام) به مسلمانان ایراد کرد و گفت: شما هنوز پیامبرتان را به خاک نسپرده بودید که اختلاف کردید؟

علی (علیه السلام) این پاسخ دندان شکن را در جواب یهودی فرمود انما اختلفنا عنه لا فيه و لكنكم ما جفت ارجلكم من البحر حتى قلتم لنبيكم اجعل لنا الهة كما لهم آلهة فقال انكم قوم تجهلون: «ما درباره دستورات و سخنانی که از پیامبرمان رسیده اختلاف کرده ایم، نه درباره خود پیامبر و نبوتش (تا چه رسد به الوهیت پروردگار) ولی شما پایتان از آب دریا خشک نشده بود که به پیامبرتان پیشنهاد کردید، برای ما معبودی قرار بده آنچنان که این بت پرستان معبودانی دارند، و او در جواب به شما گفت: شما جمعیتی هستید که در جهل غوطه ورید!»!

در آیه بعد می‌خوانیم که موسی (علیه السلام) برای تکمیل سخن خود به بنی اسرائیل گفت: «این جمعیت بت پرست را که می‌بینید، کارشان به هلاکت می‌انجامد و عملشان باطل و بی اساس است» (ان هؤلاء متبر ما هم فيه و باطل ما كانوا يعملون).

یعنی هم عملشان بیهوده و رنجهایشان بی نتیجه است و هم سرانجام یک قوم

بت پرست و مشرک، به هلاکت و نابودی می کشد (زیرا «متبر») از ماده «تبار» به معنی هلاکت است). و باز برای تاکید اضافه کرد آیامعبودی غیر از خدا برای شما انتخاب کنم؟ همان خدائی که شما را برجهانیان (مردم عصر خود) برتری داد (قال ا غیر الله ابغیکم الہا و هو فضلکم علی العالمین). یعنی اگر انگیزه پرستش خدا، حس شکرگزاری باشد، همه نعمتهای شما از ناحیه خدا است و اگر انگیزه پرستش و عبودیت، منشا اثر بودن باشد، باز آن هم مربوط به خدا است، بنابراین به هر حسابی باشد جز خداوند قادر منان شایسته پرستش نیست.

در آیه بعد خداوند یکی از نعمتهای بزرگ خود را به بنی اسرائیل، یاد آور می شود، تا با توجه به این نعمت بزرگ حس شکرگزاری در آنها تحریک گردد، و بدانند شایسته پرستش و خضوع و عبادت، تنها ذات پاک او است، و هیچ دلیلی ندارد که در مقابل بتهائی که کمترین سود و زیانی ندارند، سر تعظیم فرود آورند.

نخست می گوید: «به خاطر بیاورید هنگامی که شما را از چنگال آل فرعون نجات دادیم آنها مرتبا شما را شکنجه می دادند و مجازات می کردند (و از انجیناکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب)

«یسومون» از ماده «سوم» و اصل آن چنانکه راغب در مفردات می گوید دنبال چیزی رفتن است و به طوری که از قاموس استفاده می شود یک نوع معنی استمرار و ادامه نیز در آن افتاده، بنابراین معنی یسومونکم سوء العذاب

این است که آنها به طور مستمر به دنبال مجازاتهای دردناک و شکنجه دادن شما بودند.

سپس - همانطور که روش قرآن در بیان تفصیلی مطالب پس از بیان اجمالی آنها است - این عذاب و شکنجه مستمر را چنین شرح می دهد که آنها پسران شما را به قتل می رسانیدند، و زنان و دخترانتان را (برای خدمتگزاری و بردگی) زنده نگه می داشتند (یقتلون ابنائکم ویستحيون نسائکم).

و در این آزمایش بزرگی از ناحیه خداوند برای شما بود (و فی ذلکم بلاءمن ربکم عظیم).

ظاهر آیات قبل و بعد نشان می‌دهد که این جمله را موسی (علیه السلام) از طرف خداوند برای بنی اسرائیل که پس از عبور از دریای نیل به هوس بت پرستی افتادند بیان کرده است.

اگر چه بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که مخاطب این آیه یهودیان عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده باشند، زیرا تفسیر اول احتیاج به تقدیر دارد و اینکه آیه در اصل قال موسی قال ربکم...: «موسی گفت پروردگار شما چنین گفته است»... بوده است و این برخلاف ظاهر است.

ولی با توجه به اینکه اگر روی سخن در این آیه به یهودیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد ارتباط آیات قبل و بعد به کلی بریده می‌شود، این آیه به صورت جمله معترضه‌ای درمی‌آید، تفسیر اول صحیحتر به نظر می‌رسد. (ضمناً باید توجه داشت که نظیر این آیه با تفاوت بسیار کمی در سوره بقره آیه ۴۹ گذشت، برای توضیح بیشتر به جلد اول صفحه ۱۶۵ تا ۱۶۷ مراجعه فرمائید).